

حروم سواری

عباس داودی

مقدمه

گفتگو با یک حروم سوار

گناه کوچک نداریم

جرم ندانستن

توجیه ممنوع

لزوم احترام به قانون

سیره امام خمینی رحمت الله علیه

گوشت قربانی شب عاشورا

حتی مرغ هم نکشید

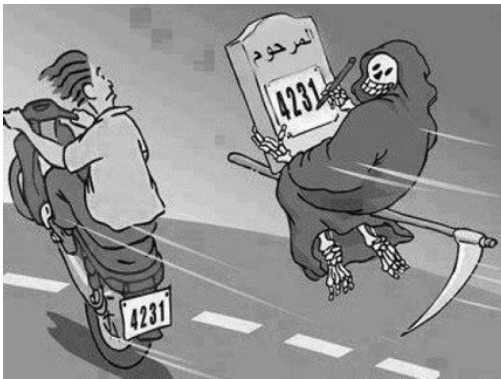
قاچاق نیابید

عبور از خط عابر پیاده

قانون کتابخانه

استفتاء مقررات

توجه توجه



حرم سواری

مقدمه

متأسفانه برخی از ما نسبت به بعضی از گناهان سهل‌انگاریم و یا آن‌ها را گناه نمی‌دانیم و یا گناه را سبک می‌شماریم و آن را صغیره به حساب می‌آوریم به همین دلیل جرأت بر انجام آن کار غلط را پیدا می‌کنیم و به مرور زمان برایمان عادی می‌شود.

از طرفی به نسبت به یادگیری و عمل به احکام نماز و روزه و خمس و... حساس هستیم (که باید باشیم) ولی برای شناخت، عمل و یادگیری احکامی که در زندگی روزمره‌ی به آن‌ها نیاز داریم بی‌توجهیم. به‌عنوان مثال:

نرم‌افزارها را به راحتی و بدون در نظر گرفتن حقوق نشر، تکثیر می‌کنیم.

قوانین راهنمایی و رانندگی را زیر پا می‌گذاریم.

در فضای مجازی بی‌توجه به سایت‌ها و وبلاگ‌های مختلف مراجعه می‌نماییم.

برای خود صفحه فیس‌بوک درست می‌کنیم.

چت می‌کنیم.

بلوتوث‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون می‌فرستیم.

در معاملات، حتی خریدهای کوچک به احکام معامله توجه نداریم.

در محل کار، چه دولتی و چه غیر دولتی؛ حق الناس را مد نظر قرار نمی‌دهیم.

و...

در این مقاله برآنیم تا به گوشه‌ای از این مباحث پرداخته و در حد تلنگری توجه به

موضوع نماییم.

گفتگو با یک حروم سوار

یکی از بی توجهی‌هایی که از گذشته وجود داشته، عدم رعایت قوانین اجتماعی است. یکی از مصداق‌های بارز آن هم عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی می‌باشد. متأسفانه در قوانین راهنمایی و رانندگی هم موضوع رانندگی بدون گواهینامه موتور سیکلت، از طرف بسیاری، حتی بچه‌های مسجدی رعایت نمی‌شود.

آنچه در زیر می‌خوانید گفتگوی واقعی نویسنده با چند تن از این افراد است که در قالب یک گفتگو آمده است. نکته مهم این است که این گفتگو را می‌توان به بسیاری از موضوعات دیگر در حوزه رعایت قوانین اجتماعی تعمیم داد.

یکی از دوستان مسجدی (حدود ۱۷ سال) همین‌طور که با موتور گاز می‌داد وارد حیاط مسجد شد.^۱

از سن ایشان معلوم بود به یقین دارای گواهینامه موتور سیکلت نیست. چون این حقیر از مربیان و قدیمی‌های بسیج بودم بنا به وظیفه تذکری به ایشان دادم و البته وی نیز توجیهاتی را ارائه نمود که منجر به شکل‌گیری این گفتگو شد.

من: به نظر می‌رسد که رانندگی شما با موتور شرعاً جایز نباشد.

حروم سوار: چرا جایز نیست. چه اشکالی دارد؟

من: فتوای مقام معظم رهبری این است که جایز نیست.^۲

حروم سوار: شاید من مقلد ایشان نباشم.

من: اول آن که وقتی موضوع به اجتماع مسلمین بر می‌گردد در درجه اول - و حتی فقط - نظر ولی امر ملاک است. زیرا ایجاد قوانین اجتماعی با نظرات متفاوت نزدیک به محال است. دوم آن که زنگ بزن و از دفتر مرجع تقلید خود سؤال کن.

حروم سوار: سؤال نمی‌کنم.

۱. ایجاد مزاحمت برای نمازگزاران با صدای موتور به‌طور قطع جایز نیست. گذشته از این که باید بررسی شود آیا اصلاً بردن موتور به حیاط مسجد جایز است؟ اگر هست تحت چه شرایطی است؟ چه ساعتی؟ آیا نباید از متولی برای این امر اجازه گرفت؟ آیا امام جماعت مسجد به‌عنوان متولی محسوب می‌گردد؟ اگر شرعاً جایز است آیا عرف نمازگزاران این موضوع را می‌پذیرد و انجام این کار از سوی مثلاً بسیجی‌ها ایجاد بدبینی نسبت به بسیج نمی‌کند؟ آیا...

۲. در ادامه فتوای معظم‌له و توضیحات آن ارائه می‌گردد.



من: چرا؟

حروم سوار: زیرا اگر بگوید جایز نیست دیگر

نمی توانم سوار موتور شوم.

من: این را که من به شما عرض کردم.

حروم سوار: شما که مرجع تقلید من نیستید.

من: !!!!!!!

من: چرا می خواهی خود را به نادانی بزنی.

حروم سوار: زیرا اگر نتوانم موتور سوار شوم به

کارها و مدرسه ام نمی رسم.

من: این مثل این می ماند که بگویی اگر دروغ نگویم، یا غیبت نکنم، یا سر دیگران کلاه

نگذارم، به امورات روزمره نمی رسم. گناه با گناه تفاوتی ندارد.

حروم سوار: این کار اگر گناه باشد آن قدر کوچک است که خداوند آن را می بخشد.

من:؟! اتفاقاً این همان گناهی است که خدا آن را نمی بخشد.^۲ و باعث دیگر گناهان هم

خواهد شد.

حروم سوار: چه طور؟

من: اول آن که اگر مشکلی برایت پیش آید، به عنوان مثال اگر تصادف کنی و منجر به

پرداخت دیه شود، چون گواهی نامه نداری یا باید رقم چند میلیون (در فوت یکصد و شصت

میلیون تومان) را پرداخت کنی که زندگی خود و خانواده ات را دچار مشکلات اساسی

می نمایی یا باید مالک موتور که گواهی نامه داشته باشد (احتمال قوی پدرت) را به عنوان

ضارب معرفی کنی که همین دو گناه بزرگ دارد. اول گناه شنیع و پلید دروغ که خود و

خانواده ات باید آن را بگویید. دوم مال حرامی که ضامن آن هستید زیرا این کار کلاهبرداری از

بیمه است و شرعاً تا قیامت به بیمه بدهکار خواهید بود. اگر این بیمه دولتی باشد به

بیت المال و اگر خصوصی باشد به سهامداران. پس حق الناس به گردن شماست و با چندین نفر

در قیامت طرف خواهید بود. از طرفی توبه از این گناه هم منوط به ادای حق الناس می باشد.

و یا اگر پلیس موتور شما را توقیف کند باز هم مجبور به دروغ خواهید بود.

۱. بعضی از ما فکر می کنیم اگر مسئله ای را ندانیم، عمل نکردن به آن جایز است!!!

۲. توضیح این مطلب که: گناه صغیره نداریم و بزرگ ترین گناه آن است که کوچک شمرده شود، و ما نباید به

خدا غره شویم؛ در ادامه خواهد آمد.

دوم این که چون آن را گناه نمی‌دانی از آن توبه نمی‌کنی و این باعث می‌شود شامل بخشش خداوند در دیگر گناهان نیز نباشی.

سوم، شیطان همیشه در صدد راه نفوذ به قلب ماست. این راه نفوذ با اولین گناه باز شده و انجام گناهان بعدی را برای ما سهل‌تر می‌کند.

حروم سواری: ولی من با این موتور بیشتر مسجد و هیأت می‌آیم و ثواب این‌ها آن قدر زیاد است که این اشکال را می‌پوشاند.

من: این که گفتید مانند آن فردی است که نان و انار می‌دزدید و صدقه می‌داد و امام صادق علیه‌السلام به وی فرمود: آن صدقه هم خود گناه است.^۱

حروم سواری: من به خدا توکل می‌کنم و گواهی‌نامه‌ای دارم که هیچ‌کس ندارد. به همین دلیل اتفاقی برایم نمی‌افتد.

من: ممکن است آن گواهی‌نامه را ببینم؟!

در این موقع کیف پولش را بیرون آورد و عکس یکی از سرداران شهید را که در جای کارت کیفش بود نشانم داد و گفت: **من با توکل و توسل به این شهید راحت رفت و آمد می‌کنم.**

من که از این طرز تفکر غلط به شدت ناراحت شده بودم گفتم:

شما به شهدا توکل می‌کنید برای گناه؟!؟! این چه توهینی است که به شهدا می‌کنید. این چه طرز فکری است که برای گناه کردن به خدا توکل می‌کنید. مثل این که کسی بخواهد به دزدی برود یا شراب بنوشد و بگوید من با توسل به شهدا به خدا توکل می‌کنم که دستگیر نشوم و یا این شراب به من صدمه‌ای نزند. خود این طرز فکر و بیان آن توهین به ذات اقدس حق و شهدای راه اوست. شهدا خون خود را نثار کردند تا ما مطیع اوامر خدا باشیم، نه این که برای گناهان خود توجیه بتراشیم.

در همه‌ی گناهان این‌گونه است که وقتی نخواهیم از آن دست بکشیم، شروع به توجیه می‌کنیم. این گناه ممکن است غیبت باشد. اگر بگویند: غیبت نکن. می‌گوییم: جلوی خودش هم می‌گوییم. در حالی که جلوی خودش گفتن باز چند گناه دیگر را در پی دارد. یا می‌گویند: دروغ نگو. سریع می‌گوییم: مصلحت ایجاب می‌کند.

این کار (حروم سواری) هم چون با نفس در ارتباط است و نمی‌خواهیم جایز نبودن و گناه بودن آن را بپذیریم و آن را کنار بگذاریم. به توجیهات مختلف رو می‌آوریم. به خصوص که جوان‌ترها علاقه‌ی خاصی به موتور سواری دارند. ولی این‌ها هیچ‌کدام در قیامت از ما پذیرفته نیست.

۱. این روایت با عنوان "توجیه ممنوع" در ادامه آمده است.

حروم سوار: خب باید تمرین کنم تا بتوانم بعداً گواهینامه بگیرم.

من: درست است. یکی از دوستان هم با دفتر امام خامنه‌ای مدظله العالی تماس گرفته و سؤال نموده است که: وقتی گواهینامه ندارد برای تمرین جایز است سوار موتور شود، که پاسخ داده‌اند: بله، جایز است.

اما مراقب باش با همین مسئله توجیه جدیدی درست نکنی. یعنی مثل قبل هر جا می‌خواهی بروی و بگویی دارم تمرین می‌کنم. تمرین شرایط خاص و زمان و مکان معینی را طلب می‌کند، و الاً تمرین نیست و توجیه است.

مدتی بعد آن برادر را دیدم و به من گفتم: بالاخره رفتیم و گواهینامه رانندگی موتور سبکلت گرفتیم.

من: الحمدلله. اما توبه واقعی الان برایت سخت‌تر شده.

حروم سوار سابق: چرا؟

من: چون آن موقع که حرام بود ترک نکردی و به کار خود ادامه دادی تا سنّت به مرحله‌ی قانونی رسید و سپس برای گرفتن گواهینامه اقدام کردی. ولی از آن‌چه در گذشته انجام دادی پشیمان نیستی و وقتی کسی از گناه به‌طور واقعی پشیمان نشود، قطعاً توبه‌ای برایش نخواهد بود. این یکی از راه‌کارهای نفس اماره و شیطان رجیم است که به انسان می‌گویند فعلاً گناه کن و لذتش را ببر یا کارت راه بیفتد، بعداً توبه می‌کنی! کسی که با این نیت گناه کند و سپس رو به توبه بیاورد، کمتر اتفاق می‌افتد که توبه واقعی بنماید.

۱. ابو بصیر گوید: شنیدم امام باقر علیه‌السلام می‌فرمود: از گناهایی که ناچیزش انگارید بپرهیزید زیرا آن‌ها هم بازخواست‌کننده‌ای دارد، شخصی از شما می‌گوید: «گناه می‌کنم و آمرزش می‌خواهم،» و خدای عزوجل می‌فرماید: «وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ - آن‌چه را پیش فرستاده و آثارشان را خواهیم نوشت، و همه چیز را در امام مبین (لوح محفوظ یا نامه اعمال) آمار کنیم.» (یس/۱۲) و باز فرماید: «إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ - به‌راستی که اگر آن‌ها (کردار و گفتار بندگان) به‌وزن دانه خردلی بوده و در میان سنگ سخت یا در آسمان‌ها و یا در زمین باشد، خدا آن‌ها را بیاورد، همانا خدا باریک‌بین و

آگاه است.» (لقمان/۱۶) - الکافی (ط - الإسلامیة) ج ۲؛ ص ۲۷۰

گناه کوچک نداریم

۱- قبیح فعلی مربوط است به مفاصد و زشتی‌های موجود در خود عمل قطع نظر از خصوصیات روحی و شرایط شخص بزهکار. قبیح فاعلی مربوط است به شرایط ذهنی و روحی بزهکار قطع نظر از خصوصیات خود عمل.

شرایط ذهنی بزهکار عبارت است از داشتن روح تمرد و طغیان و قانون شکنی و عدم اهتمام به حقوق خدا و خلق. البته تمام گناهان از این حیث (قبیح فاعلی) بزرگ و عظیم‌اند، زیرا سرپیچی از دستوره‌های خداوند بزرگ و مهربان با علم و اختیار، بسیار زشت و ناپسند است.^۱

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى عَزِيرٍ [يَا عَزِيرُ] إِذَا وَقَعْتَ فِي مَعْصِيَةٍ فَلَا تَنْظُرْ إِلَى صِغَرِهَا وَ لَكِنْ انظُرْ مَنْ عَصَيْتَ - خداوند به عزیر وحی کرد که [یا عزیر] اگر دچار معصیتی شدی نگاه به کوچکی آن گناه مکن، نگاه کن مخالفت با که می‌کنی.»^۲

۲- و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَخَفَّ بِهِ صَاحِبُهُ - شدیدترین گناه آن است که صاحبش آن را کوچک بشمارد.»^۳

۳- همچنین امام باقر علیه‌السلام فرمود: «الذُّنُوبُ كُلُّهَا شَدِيدَةٌ وَ أَشَدُّهَا مَا نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَ الدَّمُ لِأَنَّهُ إِمَّا مَرْحُومٌ وَ إِمَّا مُعَذَّبٌ وَ الْجَنَّةُ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا طَيِّبٌ - همه‌ی گناهان سخت است (از نظر نافرمانی خدا و کیفر و عقوبت آن‌ها) ولی سخت‌ترین آن‌ها گناهانی است که بر آن گوشت و خون بروید (مانند خوردن مال حرام یا اصرار بر گناه اگر چه حلال خورد) زیرا آن گنهکار یا بخشوده و یا معذب گردد، و جز شخص پاک به بهشت وارد نشود (پس چنین گنهکاری باید در برزخ و یا محشر عذاب کشد تا آن گوشت و خونش بریزد و تصفیه گردد، و سپس داخل بهشت شود).»^۴

۴- امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِصْرَارِ وَ لَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ - گناه با اصرار صغیره نباشد و با استغفار کبیره نباشد.»^۵

«سر آن این است که: گناه کوچک یک‌بار یا دوبار به سبب کمی تیرگیش در دل اثر

۱. نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی؛ تألیف حضرت آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی؛ ص ۱۱۱

۲. الدعوات (للراوندی) / سلوة الحزین، النص، ص ۱۶۹

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۱۲

۴. الکافی (ط - الإسلامیة) ج ۲؛ ص ۲۷۰ - ترجمه مصطفوی

۵. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۲، ص ۲۸۸

نمی‌کند، ولی چون تکرار شد و آثار ضعیف آن متراکم گشت قوی می‌گردد و به تدریج در دل اثر می‌کند، چنان‌که قطره‌های آب که پایی بر سنگی بیفتد آن‌را سوراخ می‌کند، و همین قدر آب اگر به یک‌بار بر آن ریخته شود اثر نمی‌کند»^۱

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: «اتَّقُوا الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّهَا لَا تُعْفَرُ قُلْتُ وَ مَا الْمُحَقَّرَاتُ قَالَ الرَّجُلُ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَقُولُ طُوبَى لِي لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي غَيْرُ ذَلِكَ - از گناهان محقر بپرهیزید که آمرزیده نشوند. عرض کردم: گناهان محقر چیست؟ فرمود: این است که مردی گناه کند و بگوید، خوشا به حال من اگر غیر از این گناه نداشته باشم.»^۲

۶- و نیز فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ أَنْ يَطْلُبَ إِلَيْهِ فِي الْحَرَمِ الْعَظِيمِ وَ يُبْغِضُ الْعَبْدَ أَنْ يَسْتَحِفَّ بِالْحَرَمِ الْيَسِيرِ - خدا بنده‌ای را دوست دارد که در گناه بزرگ [راهی] به سوی خدا [برای آموزش] بجوید، و بنده‌ای را دشمن دارد که گناه اندک را ناچیز و خرد شمارد.»^۳

۷- و امام کاظم علیه السلام فرمود: «لَا تَسْتَقِلُّوا قَلِيلَ الذُّنُوبِ فَإِنَّ قَلِيلَ الذُّنُوبِ يَجْتَمِعُ حَتَّى يَكُونَ كَثِيرًا - گناهان خرد و اندک را دست کم مگیرید، که گناهان اندک جمع شود تا بسیار گردد.»^۴

۸- امام سجاد علیه السلام هم در دعای هشتم صحیفه سجادیه می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... الْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْثَمِ، وَ اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ - پروردگارا به تو پناه می‌برم از... اصرار کردن بر گناه و کوچک شمردن معصیت.»



۱. علم اخلاق اسلامی؛ ج ۴ ص ۱۰۰ (ترجمه جامع السعادات - نوشته ملا محمد مهدی نراقی)

۲. تحف العقول، النص، ص ۵

۳. المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۳

۴. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۸۷

جرم ندانستن

خداوند تبارک و تعالی در آیه ۱۷۲ سوره اعراف می‌فرماید که همه‌ی انسان‌ها را خداشناس خلق کرده است و همه به‌صورت فطری خداوند و به تبع آن خوبی‌ها و بدی‌ها را می‌شناسند. به همین دلیل دزدی، دروغ، بی‌تعهدی و... در همه‌ی جوامع و میان همه‌ی انسان‌ها از صفات مذموم؛ و کمک به دیگران، فداکاری، راستگویی و... از اخلاق پسندیده است. خداوند در همین آیه و آیه بعد دلیل رساندن انسان به این شناخت را عدم بهانه‌جویی بنی‌آدم در قیامت بیان داشته است که در آن روز نگویند ما نمی‌دانستیم.

« وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ - (به خاطر بی‌آوردن) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه‌ی آن‌ها را برگرفت و آن‌ها را گواه بر خویش‌ت ساخت (و فرمود): آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم! (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویند: ما از این، غافل بودیم (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)!»
 «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَ فَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ - (یا بگویند: پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندانمان بعد از آن‌ها بودیم (و چاره‌ای جز پیروی از آنان نداشتیم) آیا ما را به آن چه باطل‌گرایان انجام دادند مجازات می‌کنی؟!»

از امام صادق علیه‌السلام هم نقل شده است که درباره‌ی آیه:

«قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ - بگو: دلیل رسا (و قاطع) برای خداست (دلیلی که برای هیچ‌کس بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد). و اگر او بخواهد، همه‌ی شما را (به اجبار) هدایت می‌کند. (ولی چون هدایت اجباری بی‌ثمر است، این کار را نمی‌کند.)» (انعام/۱۴۹)
 فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدِي أَ كُنْتَ عَالِمًا فَإِنْ قَالَ نَعَمْ قَالَ لَهُ أَ فَلَا عَمَلَتْ بِمَا عَلِمْتَ وَ إِنْ قَالَ كُنْتُ جَاهِلًا قَالَ لَهُ أَ فَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ فَيُخَصِّمُهُ وَ ذَلِكَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ - خداوند در روز رستاخیز به بنده‌ی خویش می‌فرماید بنده‌ی من! آیا می‌دانستی (و گناه کردی)؛ اگر بگوید آری، می‌فرماید: چرا به آن چه می‌دانستی عمل نکردی؟ و اگر بگوید نمی‌دانستم، می‌گوید: چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی؟ در این موقع فرو می‌ماند، و این است معنی حجت بالغه»^۱

اهمیت یاد گرفتن تا جایی است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم کسانی را که بر اثر ندانستن مسئله باعث مرگ فردی شده بودند نفرین کرده است.

جابر بن عبد الله انصاری می گوید: ما با گروهی در مسافرت بودیم. سر مردی به وسیله سنگ شکسته شد. او در شب محتلم شد و صبح به آن گروه گفت: آیا من مجاز هستم که غسل نکنم؟ گفتند: نه. چون آب موجود است لذا باید غسل کنی. هنگامی که وی آب بر سر خود ریخت و غسل کرد از دنیا رفت. موقعی که از مسافرت مراجعت نمودیم و این جریان را برای پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم شرح دادیم آن بزرگوار دلتنگ شد و فرمود:

قتلوه قتلهم الله أ لا سئلوا اذا لم يعلموا فأنما شفا العیّ السؤل - او را کشتند؟ خدا آنان را بکشد!

چرا حکم این مسئله را نپرسیدند، آیا نمی دانستند که دواى ندانستن پرسیدن می باشد!

وظیفه آن شخصی که مُرد تیمم بود، یا این که پارچه ای بر روی زخم می بست و در هنگام غسل دست با رطوبت خود را روی آن می کشید.^۱

همچنین امام صادق علیه السلام در نامه ای که به اصحاب خود نوشته است بعد از توضیح آیاتی آنان را از این که خود را به ندانستن بزنند و اوامر خداوند را نیاموزند نهی کرده و فرموده است:

« فَتَدَبَّرُوا هَذَا وَ اعْقَلُوا وَ لَا تَجْهَلُوا فَإِنَّهُ مَنْ يَجْهَلُ هَذَا وَ أَشْبَاهَهُ مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي كِتَابِهِ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ نَهَى عَنْهُ تَرَكَ دِينَ اللَّهِ وَ رَكِبَ مَعَاصِيَهُ فَاسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ فَأَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ - پس در آن چه گفتیم تدبر کنید و آن را بفهمید و ندانسته نگیرید، زیرا هر کس این مطلب و مانند آن را که خدا در قرآنش فرض کرده از هر آنچه امر کرده یا نهی کرده ندانسته گیرد، دین خدا را رها کرده و نافرمانی او را مرتکب شده و سزاوار خشم خدا گردیده است و خداوند او را به رو در آتش دوزخ افکند.»^۲

۱. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۷۳ - حسین بن علی ابوالفتح رازی، در این تفسیر این روایت را به عنوان شأن نزول آیه ۴۳ سوره نساء ذکر کرده است.

البته این حدیث سند دیگری دارد که از ابن عباس نقل شده است. سید میر حامد حسین هندی نیشابوری در کتاب «عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ فِي إِمَامَةِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ»، ج ۲۲، ص ۷۲۵» این روایت را با سلسله سند زیر نقل نموده است. ابن عبد البر القرطبی در «جامع بیان العلم» گفته: قرأت علی ابی عبد الله محمد بن عبد الله أن محمد بن معاوية القرشيّ أخیرهم، قال: حدّثنا إسحاق بن أبی حسان الأنماطی، قال: حدّثنا هشام بن عمّار، قال حدّثنا عبد الحمید، قال: حدّثنا الأوزاعيّ قال: حدّثنا عطاء بن أبی رباح، قال: قال: سمعت ابن عبّاس یخبر...

۲. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۸، ص ۵

توجیه ممنوع

امام صادق علیه السلام فرمود: بی تردید هر کس که پیرو خواهش‌های نفسانی خود شده یا شگفت‌زده‌ی افکار و نظریات خویشتن گردیده است، مانند همان شخص است که شنیده بودم: مردم ساده‌لوح، بسیار او را می‌ستایند و به بزرگی از او یاد می‌کنند، و من مشتاق گشتم تا از نزدیک او را ببینم، اما به‌گونه‌ای که مرا نشناسد تا شخصیت او را ارزیابی کنم. اتفاقاً روزی او را در مکانی دیدم که جمعیت زیادی از عوام گردش جمع گشته‌اند، چهره‌ام را پوشاندم، و به‌طور ناشناس به میان آن‌ها رفتم تا نظاره‌گر او و مردم پیرامون او باشم. پیوسته به اطوار و نیرنگ مردم را فریب می‌داد، سپس به‌راه افتاد و مردم به‌دنبالش رفتند تا به جایی رسید که از مردم جدا شد، مردم برگشته و پی کار خود رفتند، اما او دیگر برنگشت و همچنان می‌رفت، به‌دنبالش رفتم، در بین راه به دکان نانوايي رسید در آن‌جا توقف کرد، به محض آن‌که نانوا به کاری مشغول گردید دو عدد نان دزدید و راه افتاد من تعجب کردم، ولی با خود گفتم: شاید با نانوا داد و ستدی دارد، آن‌گاه به شخصی رسید که انار داشت او را هم غافلگیر کرده و سپس دو عدد انار برداشت، این عملش نیز تعجبم را برانگیخت اما با خود اندیشیدم که شاید با یکدیگر حسابی دارند. با خود گفتم: چه نیازی او را وادار به دزدی کرده است؟ چرا وقتی خود را از چشم نانوا و انار فروش دور می‌دید چنین کاری انجام می‌داد، همچنان به‌دنبال او رفتم، به بیماری رسید، دو قرص نان و دو انار را جلوی او نهاد و رفت، من هم به دنبالش رفتم تا در نقطه‌ای از بیابان ایستاد.

خود را به او رساندم و گفتم: ای بنده خدا آوازه نیکی تو را شنیده و مایل بودم که از نزدیک ببینم حال به دیدارت آمدم، ولی کار عجیبی از تو مشاهده کردم که فکرم را پریشان ساخته است. از تو می‌پرسم که برایم توضیح دهی تا خیالم آسوده شود.

گفت: چه دیدی؟

گفتم: تو را که به نانویی رسیدی و از او دو نان دزدیدی! و از انار فروش گذر کردی از او نیز دو انار به‌سرقت بردی؟!

امام فرمود: در پاسخ من گفت: پیش از هر چیز به من بگو تو کیستی؟

گفتم: یکی از فرزندان آدم علیه السلام از امت محمد صلی الله علیه و آله.

بار دیگر گفت: از چه کسانی؟

گفتم: فردی از دودمان پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم

پرسید: در کجا زندگی می‌کنی؟

گفتم: مدینه.

گفت: شاید تو جعفر بن محمد فرزند علی بن حسین بن علی بن ابی طالب هستی؟
گفتم: آری.

گفت: ولی این شرافت خانوادگی برایت سودی نخواهد داشت با این ناآگاهیت به آن چه
مایه شرافت تو است، علم جد و پدرت را کنار گذاشته‌ای، اگر چنین نبود چگونه عملی را که
انجام دهنده‌اش شایسته ستایش و سپاس‌گزاری است آن را ناپسند شماری؟
گفتم: آن چیست؟

پاسخ داد: کتاب خدا، قرآن.

گفتم: چه چیز آن را ندانسته‌ام.

گفت: فرموده خداوند را «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا
مِثْلُهَا - هر کس که عمل نیکی انجام دهد پاداشش ده برابر است و هر کسی که به کردار
زشتی دست یازد، کیفرش یک برابر است.» (أنعام/۱۶۰) چون دو نان دزدیدم دو گناه بود، و
برای دزدیدن دو انار دو گناه، پس این شد چهار گناه. چون هر یک از آن‌ها را در راه خدا
صدقه دادم چهل ثواب خواهم داشت، از چهل حسنه در برابر چهار سیئه چهار تا کم می‌شود
و سی و شش حسنه برابم باقی می‌ماند.

گفتم: مادرت به عزایت بنشینند، تو کتاب خدا را نفهمیده‌ای، مگر نشنیده‌ای که خدای عزّ
و جلّ می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ - خدا فقط کار پرهیزگاران را
می‌پذیرد» (مائده/۲۷)

یقیناً چون دو نان دزدیدی به دو گناه دچار گردیدی و جهت سرقت دو انار هم دو گناه
دیگر، و چون مال مردم را به‌جای این که به خودشان بازگردانی بدون رضایت آنان به دیگری
دادی، بی‌شک چهار گناه بر آن افزودی و چهل حسنه به چهار گناه نيفزودی.
و در حالی که با نگاه تندى به من نگریست، بر گشتم و ره‌ایش ساختم.

امام فرمود: با این‌گونه تفسیرهای زشت و عوام‌پسندانه گمراه می‌شوند و دیگران را هم به
گمراهی می‌کشاند و این همانند تأویل نابه‌جایی است که معاویه پس از کشتن عمّار یاسر -
رحمت‌الله‌علیه - وقتی متوجه شد که قتل عمّار لرزه بر دل بسیاری از مردم انداخته، و این
فرمایش پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر سر زبان‌ها افتاده است که: «عمار را جمعیت
تجاوز پیشه می‌کشند»، عمرو عاص به ملاقات معاویه رفت و گفت: ای امرکننده مؤمنین
مردم به هیجان آمده و پریشان خاطر گشته‌اند، پرسید برای چه؟ گفت: به جهت کشته شدن
عمّار. معاویه سؤال کرد: کشتن عمّار را چگونه باید توجیه کرد؟ عمرو عاص گفت: مگر نه این

است که پیامبر خدا فرمود: «فته باغیه» عمار را می‌کشند. معاویه به او گفت: در گفتارت کم لطفی می‌کنی آیا ما او را کشتیم، جز این نیست که چون علی بن ابی طالب او را میان تیر و سرنیزه‌های ما افکند کشته شد؟

چون این خبر به حضرت علی علیه‌السلام رسید فرمود:

اگر چنین است پس (پناه به خدا) باید بگویند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هم قاتل حمزه است که او را در میان سرنیزه‌های مشرکان انداخت.

بعد امام صادق علیه‌السلام سخن خود را چنین ادامه داد: خوشا به حال آنانی که مصداق فرموده پیامبر خدایند، بار علم را دادگران هر نژادی بدوش می‌کشند تا تحریف غلوکنندگان و سرقت باطل‌گرایان و تأویل نادانان را از آن دور سازند.^۱

لزوم احترام به قانون

وقتی حکومت اسلامی شد، احکام حکومت و قوانین آن مانند قوانین شرع واجب خواهد بود. ضمن آن که قوانین اجتماعی که با اصول دینداری در تضاد نباشد، حتی اگر در حکومت ظالمین و کفار زندگی نماییم قابل احترام است.

سیره امام خمینی رحمت‌الله‌علیه

رفتار و گفتار امام خمینی رحمت‌الله‌علیه به‌عنوان رهبر جهان اسلام و بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی باید برای همه و به‌ویژه کسانی که تعلق خاطری به این نظام مقدس دارند الگو باشد. به عنوان نمونه چند سرگذشت از ایشان در احترام به مقررات اجتماعی را آورده‌ایم.

گوشت قربانی شب عاشورا

یکی از خواهران که در پاریس در اقامتگاه امام خدمت نموده است، می‌گوید: رعایت حقوق دیگران در زندگی امام برای ما درس است. یادم می‌آید در نوفل لوشاتو که بودم، عده‌ای از ایران برای زیارت امام در دهه عاشورا به آن جا آمده بودند. به لحاظ ساده زیستن امام، اطرافیان ایشان نیز سادگی را در زندگی خود رعایت می‌کردند. برای مثال غذای آن‌ها در نوفل لوشاتو نان و پنیر و گوجه فرنگی و تخم مرغ و گاهی اوقات هم اشکنه بود. برادرانی که آمده بودند، پولی جمع کردند و گوسفندی خریدند و آن را در پشت حیاطی که امام برای ادای نماز به آن جا می‌آمدند، ذبح کردند. سپس از مقداری از گوشت آن برای شب

عاشورا خوراکی تهیه کردند و مقداری دیگر را هم برای تهیه خوراک امام به منزل ایشان فرستادند... ایشان حتی در مملکت کفر هم حقوق و قوانین اجتماعی آن جامعه را رعایت می کردند... برای مثال قانونی در فرانسه وجود دارد که ذبح هر حیوانی را در خارج از کشتارگاه به خاطر رعایت مسایل بهداشتی منع می کند. هنگامی که امام از چنین قانونی اطلاع یافتند فرمودند: «چون تخلف از قانون حکومت شده است از این گوشت نمی خورم.»^۱

حتی مرغ هم نکشید

صادق طباطبایی از همراهان امام در نوفل لوشاتو می گوید:
یک بار چند تا از دوستان دو عدد مرغ کشتند و خوراک مرغ درست کردند و وقتی برای امام بردند امام اعتراض کردند و نخوردند. بعداً هم گفتند من راضی نیستم در این جا کاری خلاف قانون و مقررات فرانسه انجام شود.^۲

قاچاق نیابید

یکی از شاگردان حضرت امام می گوید: من در ایام اقامت امام در نجف اشرف، به دلیل ممنوع الخروج بودنم، به صورت قاچاق به نجف رفتم و خدمت حضرت امام رسیدم. ظهر بود، در اتاق را باز کردم و سلام کردم. فرمود: علیکم السلام. شما هم قاچاق آمدید؟ گفتم: بله. بعد امام فرمود: «دیگر به شکل قاچاق نیابید. هر وقت خواستید بیابید، با گذرنامه باشد» و این اصرار امام برای آن بود که مرا به رعایت قانون وادار سازد.^۳

عبور از خط عابر پیاده

گاهی اوقات رعایت مسائل جزئی برای ما بی اهمیت است و اصلاً به آن فکر نمی کنیم. به عنوان مثال اگر پل عابر پیاده باشد ولی کمی برای عبور از آن باید وقت بیشتری بگذاریم، ترجیح می دهیم تا از زیر پل عبور کنیم. ولی مقتدای ما برای این که از خط عابر پیاده استفاده کند مسیر خود را طولانی می کرد.

آیت الله شهید مصطفی خمینی می فرمود: در شهر همدان، امام هنگام عبور از یکی از خیابان ها، مسافت زیادی را طی می کردند تا از تقاطع عابر پیاده عبور کنند. ایشان حتی تا این اندازه نیز قوانین را رعایت می کردند.^۴

۱. سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی (رحمت الله علیه)، ج ۴، ص ۵۷

۲. پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران http://www.jamran.ir/fa/NewsContent-id_21213.aspx

۳. پا به پای آفتاب، ج ۴، ص ۱۵۷

۴. برداشت هایی از سیره امام خمینی ره، منتشر شده توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ ج ۴، ص ۲۹۱

قانون کتابخانه

مرحوم حاج سید احمد آقا خمینی رحمت‌الله‌علیه نقل کرده‌اند: روزی حضرت امام به من فرمود: کتاب کشف‌الاسرار مرا از کتاب‌خانه نزدیک جماران، تهیه کن و برایم بیاور. به ایشان گفتم: اگر شما بفرمایید چشم، کتاب را می‌گیرم و می‌آورم، اما قانون این کتاب‌خانه این است که کتاب، دست کسی برای بیرون بردن نمی‌دهد، بلکه کتاب را تنها همان‌جا باید مطالعه کرد. امام فرمود: پس اگر قانونش این است، شما نمی‌خواهد از آن‌جا کتاب بیاورید. به این ترتیب، من کتاب کشف‌الاسرار را از جای دیگری تهیه کردم و به ایشان دادم!^۱ توجه بفرمایید که این موضوع در زمانی بود که امام به عنوان رهبر ملت ایران در راس قدرت بودند و کتاب هم تالیف خود ایشان بود.

استفتاء مقررات

در این قسمت فقط نظر معظم رهبری را درج می‌نماییم ولی با بررسی که انجام دادیم، همه‌ی مراجع تقلید بر روی این نکته اتفاق نظر دارند که تخلف از مقررات جمهوری اسلامی جایز نیست. و یکی از این مقررات، مسائل مربوط به راهنمایی و رانندگی است. **س ۱۹۸۷: مخالفت با قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و به‌طور کلی همه قوانین دولتی چه حکمی دارد؟ و آیا موارد ترک عمل به قوانین از موارد امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌شوند؟**

ج: مخالفت با قوانین و مقررات و دستورات دولت اسلامی که به‌طور مستقیم توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته‌اند و یا با استناد به اجازه قانونی نهادهای مربوطه وضع شده‌اند، برای هیچ‌کس جایز نیست و در صورت تحقق مخالفت توسط فردی در این خصوص، بر دیگران تذکر و راهنمایی و نهی از منکر لازم است (البته با وجود شرایط نهی از منکر).

س ۱۹۸۵: انجام اعمالی که به نظر کارمند مخالف قانون هستند ولی مسئول بالاتر ادعا می‌کند که اشکال ندارد و خواهان انجام آن‌هاست، چه حکمی دارد؟

ج: کسی حق عمل نکردن به قوانین و مقررات حاکم بر اداره‌های دولتی و عمل بر خلاف آن‌ها را ندارد و هیچ مسئولی نمی‌تواند از کارمند تقاضای انجام کاری خلاف قانون را بنماید و نظر مسئول اداره در این رابطه اثری ندارد.

۱. برداشتهایی از سیره امام خمینی ره، منتشر شده توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ ج ۴، ص ۲۹۲

س ۱۹۹۴: شوهرم که در حساب بانکی‌اش مقداری پول وجود دارد، فوت نموده است و بانک هم بعد از آگاه شدن از وفات او حساب بانکی او را بسته است و از طرفی هم شهرداری اعلام کرده که وی باید عوارض محل تجاری خود را در برابر صدور پروانه ساختمان‌سازی و غیره بپردازد و در صورت عدم پرداخت مبادرت به بستن آن اماکن خواهد کرد و همه فرزندان ما هم صغیر هستند و قدرت پرداخت آن عوارض را نداریم، آیا پرداخت مالیات‌ها و عوارض مزبور بر ما واجب است؟

ج: عوارض شهرداری و مالیات‌های رسمی باید طبق مقررات دولت پرداخت شوند، در نتیجه اگر این عوارض و مالیات‌ها بر عهده میت باشد، واجب است قبل از جدا کردن ثلث و تقسیم میراث از اصل ترکه پرداخت شوند و اگر مربوط به ورثه باشد واجب است از اموال آنان پرداخت شوند.



س ۱۹۹۰: بعضی از افراد و شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی و دولتی برای فرار از پرداخت مالیات و عوارضی که دولت مستحق دریافت آن است، از راه‌های مختلف مبادرت به مخفی کردن بعضی از حقایق می‌کنند، آیا این کار برای آنان جایز است؟

ج: خودداری کردن از اجرای قوانین دولت جمهوری اسلامی و عدم پرداخت مالیات و عوارض و سایر حقوق قانونی دولت اسلامی برای هیچ‌کس جایز نیست.^۱
مقام معظم رهبری در استفتاء دیگری فرموده‌اند:

«مالیاتی که حکومت جمهوری اسلامی بر اساس قوانین و مقررات وضع می‌کند، ... پرداخت آن بر کسانی که قانون شامل آنان می‌شود واجب است.»^۲

۱. این چهار سؤال از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی - قسمت استفتاءات به نشانی زیر برداشت شده است.

<http://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=۱۹۹۴#۱۷۵>

۲. توضیح المسائل مراجع ج ۲ ص ۱۰۲

توجه توجه

- با توجه به مطالبی که عنوان شد، چند سؤال مطرح می‌نماییم که البته پاسخ آن کاملاً روشن است.
- ۱- آیا وارد شدن به سایت‌ها و وبلاگ‌هایی که بر اساس قوانین جمهوری اسلامی فیلتر شده‌اند جایز است؟
 - ۲- آیا خرید فیلتر شکن برای وارد شدن به این سایت‌ها جایز است؟
 - ۳- آیا به این بهانه که ما باید در فضای سایبر به شبهات پاسخ دهیم و نباید شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک را در اختیار معاندین بگذاریم، می‌توانیم وارد این‌گونه شبکه‌های اجتماعی بشویم؟
 - ۴- آیا استفاده از ماهواره، حتی بر فرض داشتن برنامه‌های علمی و مفید!!! حلال است؟
 - ۵- آیا می‌توانیم برای اجرای برنامه‌های مذهبی بلندگو و طبل و... امثال این‌ها را در ساعتی که مردم معمولاً استراحت می‌کنند، طوری به کار ببریم که مزاحم آن‌ها باشد؟
 - ۶- آیا ایجاد راه‌بندان به بهانه دسته‌عزاداری یا ایستگاه صلواتی جایز است؟
 - ۷- آیا می‌توان از پرداخت مالیات عوارض شهرداری و دیگر نهادهای دولتی، با بهانه‌های مختلف فرار کرد؟
 - ۸- آیا جلو انداختن نوبت ما به بهانه کار عام‌المنفعه و یا این‌که ما حزب‌اللهی هستیم یا آشنا داریم و... در مراکز مختلف جایز است.
 - ۹- آیا ما مجاز هستیم در مسیر دیگران مانع ایجاد کنیم؟ مثل: گذاشتن بار، اثاث و... در معبر عمومی، توقف دوبله و تنگ کردن معبر یا در مکان ممنوع، سنگ گذاشتن پشت چرخ وسیله در سراسیمگی و سپس رها کردن و رفتن، ریختن زباله و...
 - ۱۰- آیا جلوی درب منزل ما در کوچه و خیابان جزو اموال ماست و ما حقی در آن داریم که مثلاً ماشین خود را در آن جا پارک کنیم و دیگران حق توقف در آن را ندارند یا این‌که آن جا جزو مکان‌های عمومی است؟
 - ۱۱- اگر به جای رفتن از روی پل عابر پیاده یا مکان خط‌کشی شده از وسط خیابان برویم و یا وقتی چراغ عبور عابر قرمز است، حرکت کنیم و ماشینی ترمز کند، آیا حق الناس به اندازه یک ترمز به گردن ما هست یا خیر؟
- و بسیاری از این‌گونه سؤالات که پاسخش معلوم است ولی متأسفانه برخی از ما خود را به تجاهل می‌زنیم.